





به اهتمام

حزین (زهرا) خوش نظر

دی ماه سال ۱۳۹۵

<http://hazzin.blogfa.com>

<https://telegram.me/hazinkhoshnazar>

نوشتاری در باب مقدمه :

خداوند

حمد و سپاس از آن توست،

و هر زیبایی، جلوه‌ای از جمال دل‌رای توست.

و ذکر نامت، داروی دردمندان.

و یاد و نامت، آرام‌بخش دلهای بیقراران.

که تو خود فرموده‌ای:

الا بذكر الله تطمئن القلوب

و از سر عشق و ایمان و یقین، نام پرآوازه و زیست را،

از عمق یکبندگی جان بر لبانمان جاری می‌کنیم، باشد تا به دریای محبت واصل شویم.

و دریای جانان موج روی موج عشق را فریادزند.

و قلب‌ها کلان، و جان‌های بیقراران، با ذکر نام زیست، حیاتی جاودانه بیابند.

و جز نام زیبای تو کلامی در عالم نیست که شایسته باشد کسی بر زبان راند.

وایک:

تافرصتی هست، .

وتافرصتی داده اند، باید از او سخن گفت، و از او سخن شنید.

پس عشق،

خود قلم در دست گرفت که تنها از او بگوید، و از او بخواند،

و نام زیبای او را بر صحیفه ی دل بنگارد،



پس به سگرانه ی این عشق،

سربه سجده می نهیم و در کوش زمین نجوامی کنیم:



الحمد لله رب العالمين





نمّت خدای را عزوجل که طاعتش موجب قربت است، و به شکر اندرش مزید نعمت.

هر نفسی که فرومی رود مدحیات است، و چون برآید مفرح ذات.

پس در هر نفسی، دو نعمت موجود است، و بر هر نعمت شکر می واجب.

از دست و زبان که برآید

کز عهده می شکرش به درآید

بنده همان به که ز تقصیر خویش

عذره درگاه خدای آورد

ورنه سزاوار خداوندی اش

کس نتواند که به جای آورد

به راستی در این جهان پر مایه هو کیست که تواند بگوید در برابر نعمت زندگی و هستی خویش، و لحظه لحظه های ناب آن،

از عده ی شکر الهی بر آمده است.

به راستی چه کسی می تواند بگوید که به شکر و سپاس خداوندی، دوباره ی آنچه از نعمت های الهی در اختیار او ست نائل آمده است.

نعمت زیستن، که زیستن خود زیباترین موهبت الهی است.

و نعمت بر خورداری از مواهب کوناگون، و بشمار خداوندی.

از نور حیات. بخش خورشید، و از گرمای آفتاب تا نخکهای سایه سار درختان سرسبز.

از زیبایی موج های خروشان دریاها، تا ستیغ پرافتخار کوه های سربه فلک کشیده.

از زیبایی فصل ها، از سگوفه های بادام،

از عروس بهار با تاجی از سگوفه های کیلاس،

و یا پانزیر همیشه عاشق، با سمفونی باد و رقص برگهای خزار خزار رنگ.

و شبانگاهان در بزم آسمانی عروس ماه، و پولک ستاره ها دوخته بردامن بلند شب های یلدا.

و نقل تکرک ها، از باران، از شبنم، و از برگ های خیس درختان.

از رنگ به رنگ طبق های انکور و انار و عطر سیب.

و جهان جهان، و رنگ به رنگ، زیبایی و زیبایی و زیبایی.....

از زرین آفتاب تا نقره می مهتاب،

و در میان هزاران هزار، و بیشتر بیشتر، مخلوقات زیبا و گسفت انگیز خداوند،

ما را در جرگه آدمیان خلق نمود، و چه زیبا،

خدای کونه.

و خلیفه الله، و تاج کرامت خداوندی بر سر، و طوق زیبای کرمنا کردن آویزمان،

و صف اندر صف هزاران هزار و شت به امر خداوند در سجده به انسان.

آن زیبای زیبا آفرین، آن یگانه می، هستی بخش،

همان کسی که عشق را آفرید، و انسان را عاشق خواست،

و شراب عشق را در جانمان ریخت،

و انسان که عشق را شناخت عاشق شد،

و عاشق زیبامی شود،

و انسان زیبا شد،

که عشق خود زیبایی است،

و کمال است، و جانفزاست، و مستی بخش،

و جاودانه.

به راستی به کدامین نعمت از نعمات بی شمار خداوندی توانایی شکر و سپاس داریم.



بزرگترین و زیباترین نعمت خود خود خداوند است

و رسولان او، یکی پس از دیگری،

که آینه داران نور، و هدایت گران خورشیدش اند،

و آمده اند تا جان های افسرده از فراق مان راه محجزه ی عشق زنده کنند.

و هزاران هزار رسول و نبی و مرسل،

و پیامبرانی صاحب کتاب به تسنیت و بشارت برای ایمان آورندگان فرستاد.

فبای الاء ربکما تکذبان

کدامیک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب می کنید.

و زمین شد گهواره ی بشر.

و هر گلی، گلبرگی، برگ سبزی، سبزی چمنی،

و هر درختی و کوهی و جنگلی،

و آسمان با تمام ستارگانش،

و زمین با همه ی سیاه و سپیدش،

و هر جانداری، و پرندۀ ای، و خرنده ای،

و بیشتر بشمار مخلوقات حیرت انگیز خداوند،

و همه در خدمت بشر.

و آب و آتش و باد و خاک، همه و همه، در خدمت انسان.

و به انسان مینایی بنخشد، و شوقانی عطا نمود، و انسان را ناطق و گویا آفرید،

تا با تدبیر و تعمق و تفکر در جهان پیرامون خویش، خدای خویش را به زیبایی هر چه تمام تر بشناسد.

و هر کس که خدای خویش را شناخت بر او عاشق می شود،

و دلی که عاشق شد کو هر شب چراغ می شود،



و هر چه عشق کسرتده تر، نورانیت قلب بیشتر،

تا جایی که هر دلی که نور خداوند در او جای گرفت خود خورشید می شود،

و هزاران هزار بار، زیباتر و درخشان تر از خورشید، در عالم ملکوت می درخشد.

انسانی که منعم خویش را به زیبایی بشناسد، و زبان سپاس و شکر و قلب معترف داشته باشد،

محبوب خداوند می شود.

و انسانی که به این درجه از شناخت، و به دنبال آن سپاس و شکر الهی برسد،

به خوشبختی کاملی که همه ی عمر کم کرده ی اوست می رسد،

به فوز عظیم، به دریای آرامش،

که دل جز به یاد خدا آرام و قرار نمی‌گیرد.

أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ

آگاه باش که بیا خدا دلها آرامش می‌یابد.

ولی هرگز گمان مبر که بتوان نعمت الهی را شماره کرد، که از شماره بیرون است.

و با این همه که انسان ناتوان از شکر و سپاس واقعی بدرگاه خداوند است،

و به این ناتوانی خویش معترف،

ولی روحیه‌ی شکر و سپاس در وجود او، باعث برخورداری بیشتر و بهتر از نعمت‌های بی‌شمار خداوندی است.

شکرگزاری
درهای بیشتری
را باز می‌کند تا
خوبی‌های بیشتری
از راه برسند.

و خداوند کتاب گرانقدر خویش قرآن کریم چه زیبا بیان فرموده است:

وَإِذْ تَأْتِيَنَّكُمْ رِيبُكُمْ لَنْ يُؤْمِنَ بِكُمْ لَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَفُوقَ السَّمَاوَاتِ أَعْلَىٰ (۷)

و همچنین به خاطر بیاورید، هنگامی را که پروردگارتان اعلام داشت:

اگر شکرگزاری کنید، نعمت خود را بر شما خواهیم افزود؛

و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است. سوره ابراهیم

شکر نعمت نعمت افزون کند کفر، نعمت از کف دست بیرون کند

خدایا!

از تو بخاطر
چشمه‌هایم که می بینند،
گوشه‌هایم که می شنوند،
دست‌ها و پاهایم که
حرکت می کنند و
عزیزانی که کنارم هستند
سپاسگزارم...

امام صادق علیه السلام در روایتی می فرماید:

شکر نعمت، خودداری از گناهان و معاصی است،

و شکر کامل (یا تکمیل شکر) به این است که فرد الحمد لله رب العالمین " بگوید .

محمدبن یعقوب کلینی، پیشین، ج ۲، ص ۷۸



شکر در کلام خداوند

(تفسیر نمونه)

شکر مایه فزونی نعمت ، و کفر موجب فنا است

بدون شك خداوند در برابر نعمتهائی که به ما می بخشد نیازی به شکر ما ندارد، و اگر دستور به شکرگزاری داده آن هم موجب نعمت دیگری بر ما و يك مكتب عالی تربیتی است. مهم این است که ببینیم حقیقت شکر چیست ؟ تا روشن شود که رابطه آن با افزونی نعمت از کجاست و چگونه می تواند خود يك عامل تربیت بوده باشد.

حقیقت شکر تنها تشکر زبانی یا گفتن الحمد لله و مانند آن نیست ، بلکه شکر دارای سه مرحله است .

نخستین مرحله آن است که به دقت ببینیم که بخشنده نعمت کیست ؟

این توجه و ایمان و آگاهی پایه اول شکر است ،

و از آن که بگذریم مرحله زبان فرا می رسد، ولی از آن بالاتر مرحله عمل است ،

شکر عملی آن است که درست ببینیم که هر نعمتی برای چه هدفی به ما داده شده است آنرا در مورد خودش صرف کنیم که اگر نکنیم کفران نعمت کرده ایم ،

راستی چرا خدا به ما چشم داد؟

و چرا نعمت شنوائی و گویائی بخشید؟

آیا جز این بوده که عظمت او را در این جهان ببینیم ، راه زندگی را بشناسیم و با این وسائل در مسیر تکامل گام برداریم ؟

حق را درك کنیم و از آن دفاع نمائیم و با باطل بجنگیم ،

اگر این نعمتهای بزرگ خدا را در این مسیرها مصرف کردیم ، شکر عملی او است ،

و اگر وسیله ای شد برای طغیان و خودپرستی و غرور و غفلت و بیگانگی و دوری از خدا این عین کفران است!

امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

ادنى الشکر رؤیة النعمة من الله من غير علة يتعلق القلب بها دون الله ، و الهضا بما اعطاه ، و ان لا تعصيه بنعمة و تخالفه بشئ ء من امره و نهيه بسبب من نعمته ،

کمترین شکر این است که نعمت را از خدا بدانی ،

بی آنکه قلب تو مشغول به آن نعمت شود، و خدا را فراموش کنی ،

و همچنین راضی بودن به نعمت او و اینکه نعمت خدا را وسیله عصیان او قرار ندهی ،

و اوامر و نواهی او را با استفاده از نعمتهایش زیر پا نگذاری .

و از اینجا روشن می شود که شکر قدرت و علم و دانش و نیروی فکر و اندیشه و نفوذ اجتماعی و مال و ثروت و سلامت و تندرستی هر کدام از چه راهی است ؟

و کفران آنها چگونه است ؟

حدیثی که از امام صادق علیه السلام در تفسیر نور الثقلین نقل شده نیز دلیل روشنی بر این تفسیر است ، آنجا که می فرماید:

(شکر النعمة اجتناب المحارم شکر نعمت آنست که از گناهان پرهیز شود)

و نیز از اینجا رابطه میان شکر و فزونی نعمت روشن می شود، چرا که هر گاه انسانها نعمتهای خدا را درست در همان هدفهای واقعی نعمت صرف کردند، عملاً ثابت کرده اند که شایسته و لایقند و این لیاقت و شایستگی سبب فیض بیشتر و موهبت افزونتر می گردد.

اصولا ما دو گونه شکر داریم:

شکر تکوینی و شکر تشریحی

شکر تکوینی آن است که يك موجود از مواهبی که در اختیار دارد، برای نمو و رشدش استفاده کند،

فی المثل باغبان می بیند در فلان قسمت باغ درختان به خوبی رشد و نمو می کنند و هر قدر از آنها پذیرائی بیشتر می کند شکوفاتر می شوند، همین امر سبب می شود که باغبان همت بیشتری به تربیت آن بخش از باغ درختان بگمارد و مراقبت از آنها را به کارکنان خویش توصیه کند .

چرا که آن درختان به زبان حال فریاد میزنند ای باغبان ! ما لا یقیم ، ما شایسته ایم ، نعمت را بر ما افزون کن ، و او هم به این ندا پاسخ مثبت می دهد.

و اما در بخش دیگر از باغ درختانی را می بیند که پژمرده شده اند، نه طراوتی ، نه برگی ، نه گلی نه سایه دارند و نه میوه و بری ، این کفران نعمت سبب می شود که باغبان آنها را مورد بی مهری قرار دهد، و در صورتی که این وضع ادامه پیدا کند، دستور می دهد اره بر پای آنها بگذارند چرا که:

بسوزند چوب درختان بی بر سزا خود همین است مر ، بی بری را

در جهان انسانیت نیز همین حالت وجود دارد با این تفاوت که درخت از خود اختیاری ندارد،

و صرفاً تسلیم قوانین تکوینی است ، اما انسانها با استفاده از نیروی اراده و اختیار و تعلیم و تربیت تشریحی ، می توانند آگاهانه در این راه گام بگذارند.

بنابراین آن کس که نعمت قدرت را وسیله ظلم و طغیان قرار می دهد به زبان حال فریاد می کشد
خداوندا لایق این نعمت نیستم ،

و آنکس که از آن در مسیر اجرای حق و عدالت بهره می گیرد به زبان حال می گوید:

پروردگارا شایسته ام افزون کن!

این واقعیت نیز قابل تردید نیست که ما هر وقت در مقام شکر الهی چه با فکر چه با زبان و چه با عمل بر می آئیم ، خود این توانائی بر شکر در هر مرحله موهبت تازه ای است و به این ترتیب اقدام بر شکر، ما را مدیون نعمتهای تازه او می سازد و به این ترتیب هرگز قادر نیستیم که حق شکر او را ادا کنیم .

همانگونه که در مناجات شاکرین از مناجاتهای پانزده گانه امام سجاد (علیهالسلام) می خوانیم :

كيف لي بتحصيل الشكر و شكرى اياك يفتقر الى شكر، فكلمنا قلت لك الحمد و جب على لذلك ان اقول لك الحمد:!

چگونه میتوانم حق شکر ترا بجای آورم در حالی که همین شکر من نیاز به شکر دارد،

و هر زمان که میگویم لك الحمد بر من لازم است که به خاطر همین توفیق شکرگزاری بگویم

لك الحمد.

و بنابراین برترین مرحله شکرى که از انسان ساخته است این است که اظهار عجز و ناتوانی از شکر نعمتهای او کند، همانگونه که در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم که فرمود:

فيما اوحى الله عز و جل الى موسى اشكرنى حق شكرى فقال يا رب و كيف اشكرك حق شكرك و ليس من شكر اشكرك به الا و انت انعمت به على قال يا موسى الان شكرتنى حين علمت ان ذلك منى:

خداوند به موسی علیه السلام وحی فرستاد که حق شکر مرا ادا کن ،

عرض کرد پروردگارا!

چگونه حق شکر تو را ادا کنم در حالی که هر زمانی شکر تو را بجا آورم این موفقیت خود نعمت

تازه ای برای من خواهد بود،

خداوند فرمود ای موسی الان حق شکر مرا ادا کردی چون میدانی حتی این توفیق از ناحیه من است

عذر به درگاه خدای آورد

بنده همان به که ز تقصیر خویش

کس نتواند که به جای آورد

ور نه سزاوار خداوندی اش

چند نکته مهم در زمینه شکر نعمت

۱ _ علی علیه السلام در یکی از کلمات حکمت آمیز خود در نهج البلاغه می فرماید:

إذا وصلت إليكم اطراف النعم فلا تنفروا اقصاها بقلة الشكر

هنگامی که مقدمات نعمتهای خداوند به شما می رسد سعی کنید با شکرگزاری ، بقیه را به سوی خود جلب کنید، نه آنکه با کمی شکرگزاری آن را از خود برانید.

۲_ این موضوع نیز قابل توجه است که تنها تشکر و سپاسگزاری از خداوند در برابر نعمت ها کافی نیست ، بلکه باید از کسانی که وسیله آن موهبت بوده اند نیز تشکر و سپاسگزاری نمود و حق زحمات آنها را از این طریق ادا کرد، و آنها را از این راه به خدمات بیشتر تشویق نمود،

در حدیثی از امام علی بن الحسین علیه السلام می خوانیم که فرمود:

روز قیامت که می شود خداوند به بعضی از بندگان می فرماید:

آیا فلان شخص را شکرگزاری کردی ؟

عرض می کند: پروردگارا من شکر تو را بجا آوردم ، می فرماید:

چون شکر او را بجا نیاوردی شکر مرا هم ادا نکردی !

سپس امام فرمود:

اشکرکم لله اشکرکم للناس

شکرگزارترین شما برای خدا آنها هستند که از همه بیشتر شکر مردم را بجا می آورند.

۳ - افزایش نعمتهای خداوند که به شکرگزاران و عده داده شده ، تنها به این نیست که نعمتهای مادی تازه ای به آنها ببخشد، بلکه نفس شکرگزاری که توأم با توجه مخصوص به خدا و عشق تازه ای نسبت به ساحت مقدس او است خود يك نعمت بزرگ روحانی است که در تربیت نفوس انسانها، و دعوت آنان به اطاعت فرمانهای الهی ، فوق العاده مؤثر است ،

بلکه شکر ذاتا راهی است برای شناخت هر چه بیشتر خداوند،

و به همین دلیل علمای عقائد در علم کلام برای اثبات (وجوب معرفه الله) (شناخت خدا) از طریق وجوب شکر منعم (نعمت بخش) وارد شده اند.

۴_ احیای روح شکرگزاری در جامعه و ارج نهادن و تقدیر و سپاسگزاری از آنها که با علم و دانش خود و یا با فداکاری و شهادت ، یا با سایر مجاهدات در طریق پیشبرد اهداف اجتماعی خدمت کرده اند يك عامل مهم حرکت و شکوفائی و پویائی جامعه است.

در اجتماعی که روح تشکر و قدردانی مرده ، کمتر کسی علاقه و دلگرمی به خدمت پیدا می کند، و به عکس آنها که بیشتر قدردانی از زحمات و خدمات اشخاص می کنند، ملتھائی بانشاط تر و پیشروترند.

توجه به همین حقیقت سبب شده است که در عصر ما به عنوان قدردانی از زحمات بزرگان گذشته در صدمین سال ، هزارمین سال ، زاد روز، و در هر فرصت مناسب دیگر، مراسمی برای بزرگداشت آنها بگیرند و ضمن سپاسگزاری از خدماتشان مردم را به حرکت و تلاش بیشتر دعوت کنند.

فی المثل در انقلاب اسلامی کشور ما که پایان يك دوران تاریك دو هزار و پانصد ساله و آغاز دوران جدیدی بود، وقتی می بینیم همه سال و هر ماه بلکه هر روز، خاطره شهیدان انقلاب زنده می شود ، و بر آنها درود میفرستند ، و به تمام کسانی که به آنها منسوبند احترام می گذارند ، و به خدماتشان ارج می نهند، این خود سبب می شود که عشق و علاقه به فداکاری در دیگوان پرورش یابد ، و سطح فداکاری مردم بالاتر رود، و به تعبیر قرآن شکر این نعمت باعث فزونی آن خواهد شد، و از خون يك شهید هزاران مجاهد می روید و مصداق زنده لازیدنکم می شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



امام صادق علیه السلام:
شکر واقعی آن است که انسان نعمت های خدا را وسیله گناه قرار ندهد ،
و آنها را در راه خدا مصرف کند.



شکر و سپاس خداوند در کلام امام سجاد علیه السلام



- ۱ _ حمد خدایی را که اول همه آثار هستی اوست و قبل از او اولی نبوده، و آخر است بی آنکه پس از او آخری باشد،
 - ۲ _ خدایی که دیده بینندگان از دیدنش قاصر، و اندیشه و فهم وصف‌کنندگان از وصفش عاجز است
 - ۳ _ به دست قدرتش آفریدگان را ایجاد کرد و آنان را بر اساس اراده خود صورت بخشید،
 - ۴ _ آنگاه همه را در راه اراده خود راهی نمود و در مسیر محبت و عشق به خود برانگیخت، موجودات هستی از حدودی که برای آنان معین فرموده، قدمی پیش و پس نتوانند نهاد،
 - ۵ _ و برای هر یک از آنان روزی معلوم و قسمت‌شده‌ای از باب لطف قرار داد.
- هر آن کس را که روزی فراوان داده، احدی نمی‌تواند بکاهد،
و هر آن کس را که روزی کاسته، هیچ کس نتواند بیفزاید،

۶ _ آنگاه زندگی او را زمانی معین مقدر فرمود و پایانی محدود قرار داد که با ایام عمر به سوی آن پایان قدم برمی‌دارد و با سال‌های زندگی‌اش به آن نزدیک می‌گردد،

تا چون به آخر آن رسید و پیمانۀ زمانش لبریز شد، جانش را می‌گیرد و او را به سوی آنچه بدان خدایش خوانده از ثواب بسیار یا عذاب دردناک راهی می‌کند،

تا از پی عدالت خود بدکاران را به کردار بدشان و نیکوکاران را به عمل صالحشان جزا دهد.

۷ _ منزّه است نام‌های او، و پی‌درپی است نعمت‌های او ،

کسی را نرسد که او را از کرده‌اش باز پرسد، ولی همه در معرض پرسش او هستند.

۸ _ و سپاس خدای را که اگر بندگانش را از معرفت سپاسگزاری بر عطایای پیاپی که به آنان داده و نعمت‌های پیوسته که بر ایشان کامل ساخته محروم می‌نمود، نعمت‌هایش را صرف نموده و سپاس نمی‌گزاردند و در روزی او فراخی می‌یافتند و شکر نمی‌کردند.

۹ _ و اگر چنین می‌بودند از حدود انسانیت بیرون شده، به مرز حیوانیت می‌رسیدند و چنان می‌بودند که در کتاب محکمش فرموده:

«ایشان جز به چارپایان نمانند، بلکه از آنان گمراهنند.»

۱۰ _ سپاس خدای را بر آنچه از وجود مبارکش به ما شناسانده و بر آنچه از شکرش به ما الهام فرموده، و بر آن درهای دانش که به پروردگاری‌اش بر ما گشوده و بر اخلاص‌ورزی در توحید و یگانگی‌اش ما را رهنمون شده و قلب ما را از الحاد و شک در کار خودش دور داشته،

۱۱ _ چنان سپاسی که با آن در حلقه سپاسگزاران از بندگانش زندگی بگذرانیم،

و با آن بر هر که به خشنودی و بخشایش او پیشی جسته سبقت گیریم،

۱۲ _ سپاسی که تیرگی‌های برزخ را به سبب آن بر ما روشن کند ،

و راه رستخیز را به سبب آن بر ما آسان نماید ،

و موقعیت و جایگاه ما را نزد گواهان آن روز بلند گرداند،

در روزی که همه سزای عمل خود ببینند بدون آنکه بر کسی ستمی رود،

روزی که هیچ دوستی چیزی از عذاب و کیفر را از دوست خود دفع نکند و ستمکاران یاری نشوند،

۱۳ _ سپاسی که از جانب ما در پرونده‌ای که وضع نیکبختان در آن رقم خورده و مقربان حضرت او گواهان آن‌اند به اعلیٰ علیین بالا رود،

۱۴ _ سپاسی که چون چشم‌ها در آن روز خیره شود، سبب روشنی دیده ما گردد ،

و هنگامی که چهره‌ها سیاه شود صورت ما به نورانیت آن سپید گردد،

۱۵ _ سپاسی که ما را از آتش دردناک حق آزاد و در جوار کرم نامتناهی‌اش جای دهد،

۱۶ _ حمد و سپاسی آنچنان که ما را با فرشتگان مقرب او همنشین سازد و در آن سرای جاوید که جایگاه کرامت همیشگی اوست با پیامبران مرسل همدوش گرداند.

۱۷ _ حمد خداوندی را که سیرت‌ها و صورت‌های پسندیده را برای ما برگزید و روزی‌های خوش و نیکو را به ما ارزانی داشت.

۱۸ _ خداوندی که ما را آن گونه برتری داد که بر همه آفریدگان سلطه یابیم،

چندان که به قدرت او هر آفریده فرمانبردار ماست و به عزت او در ریسمان طاعت ما.

۱۹ _ سپاس خداوندی را که جز به خود، در نیاز را به روی ما فرو بست

چگونه از عهده ی حمد او بر آییم؟

کی سپاسش توانیم گفت؟

نمی‌توانیم، کی توانیم؟

۲۰ _ و سپاس خدای را که در پیکر ما ابزار گشودن اندام را سوار کرد،

و آلات بستن آنها را مقرر فرمود، و ما را از نسیم‌های حیات بخش بهره‌مند کرد،

و اعضای انجام‌دادن کار به ما مرحمت فرمود،

و ما را با روزی‌های پاکیزه خوراک داد، و به فضلش ما را بی‌نیاز کرد،

و به عطای خود سرمایه بخشید،

۲۱ _ آنگاه به ما دستور داد تا فرمانبرداری‌مان را بسنجد،

و از انجام محرمات نهی فرمود تا شکر ما را بیازماید،

بعد از این همه لطف از فرمانش سر پیچیدیم، و بر مرکب محرماتش سوار شدیم،

با این همه به عقوبت ما شتاب ننمود، و بر انتقام ما عجله نکرد،

بلکه از سر رحمت و از باب کرم با ما مدارا فرمود، و از سر مهربانی و از باب حلم بازگشت ما را از راه خطا انتظار کشید.

۲۲ _ سپاس خدای را که ما را به توبه و بازگشت راهنمایی کرد که این حقیقت را جز از عطای او نیافتیم، اگر همین یک عنایت را از فضل او به حساب آوریم هر آینه انعام او درباره ما نیکو،

و احسانش در حق ما بزرگ، و بخشش او بر ما عظیم است،

۲۳ _ زیرا روش او در پذیرش توبه در رابطه با گذشتگان چنین نبوده،

بدون شک آنچه را در توانایی ما نبوده از ما برداشته،

و جز در خور امکان ما به ما تکلیف نفرموده و ما را به غیر از کار آسان و نداشتن و در این زمینه برای هیچ کدام از ما حجت و بهانه‌ای باقی نگذاشته .

۲۴ _ پس در میان ما بدبخت کسی است که برخلاف رضای او ترک طاعت کند ،

و خوشبخت از ما کسی است که به سوی او توجه نماید.

۲۵ _ و سپاس خدای را به کلّ آن سپاسی که نزدیکترین ملائکه به او، و گرمی‌ترین آفریدگان نزد او، و پسندیده‌ترین ستایشگران آستان او وی را ستوده‌اند،

۲۶ _ سپاسی بالاتر از سپاس دیگر سپاسگزاران مانند برتری پروردگارمان بر تمام مخلوقات،

۲۷ _ و او را سپاس و حمد در برابر تمام نعمت‌های او که به ما و به بندگان که در گذشته بوده‌اند و باقی بندگان که هستند و می‌آیند داده است،

سپاسی به عدد تمام اشیا که دانش او بر آن احاطه دارد،

و چندین برابر هر یک از آنها به طور جاوید و همیشگی تا روز قیامت،

۲۸ _ سپاسی که حدش را پایانی، و شماره آن را حسابی، و پایان آن را نهایی، و مدت آن را انقطاعی نباشد،

۲۹ _ سپاسی که باعث رسیدن به طاعت و بخشش او ، و سبب رضا و خشنودی او،

و وسیله آمرزش او ، و راه به سوی بهشت او، و پناه از انتقام او، و ایمنی از غضب او،

و یار و مددکار بر طاعت او، و مانع از معصیت او، و کمک بر ادای حق و وظایف حضرت او باشد،

۳۰ _ سپاسی که به سبب آن در گروه نیکبختان از دوستانش درآییم،

و در سلک شهیدان به شمشیر دشمنانش قرار گیریم،

که همانا حضرت او یاری‌دهنده و ستوده است.

لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُهُ



دعا در اعتراف به تقصیر از ادای شکر

امام سجاد علیه السلام



خداوندا

کسی در مسئله **شکر** به حدی نمی‌رسد مگر آنکه احسان دیگر، تو او را به **شکری** دیگر ملزم می‌کند.

و از طاعتت به اندازه‌ای دست نمی‌یابد - گرچه بکوشد-

جز اینکه در برابر آنچه شایسته فضل توست مقصر است،

بنابراین **شاکرترین** بندگانت از **شکر** تو ناتوان،

و عابدترین بندگانت از طاعتت مقصر است،

کسی مستوجب آن نیست که از باب استحقاق او را مورد مغفرت قرار دهی، یا بر اساس

سزاواری از او خشنود باشی،

پس هر که را بیماری از احسان توست،
و از هر که خشنود شوی در اثر تفضل توست،
عمل اندک را که بپذیری از باب فضل پذیرفته‌ای،
و طاعت مختصر را مزد می‌دهی،

تا آنجا که گویی **شکر** بندگان که بدان سبب پاداششان را واجب ساخته‌ای و اجرشان را از آن رو بزرگ ساخته‌ای مسئله‌ای است که در برابر تو قدرت روی برتافتن از آن را داشته‌اند و از این جهت پاداششان دادی،

یا گویی سبب آن **شکر** به دست تو نبوده و بدین خاطر به ایشان اجر بخشیدی،
بلکه ای خدای من، مالک امر ایشان بوده‌ای پیش از آنکه ایشان مالک عبادت تو شوند،
و مزدشان را پیش از اینکه به طاعت اقدام کنند آماده کرده‌ای،
زیرا که **آئینت انعام، و عادتت احسان، و راهت عفو و بخشش است.**

از این رو همه آفریدگان معترف‌اند که تو درباره هر که عقوبتت کنی ستم نکرده‌ای،
و شاهدند که هر که را ببخشی در حقش تفضل فرموده‌ای،

و همگان درباره خویش به تقصیر نسبت به آنچه سزاوار آنی معترفند.
بنابراین اگر شیطان ایشان را از طاعتت نفریدی هیچ عصیان‌گری تو را معصیت نکند،
و اگر شیطان باطل را در نظرشان به صورت حق جلوه ندهد هیچ گمراهی از راه تو
منحرف نشود،

پس منزهی تو،

چه آشکار است بزرگواریت در معامله با کسی که تو را اطاعت کرده یا عصیان نموده:
مطیع را در مقابل آنچه خود برایش فراهم آورده‌ای پاداش می‌دهی،
و معصیت‌کار را در آنچه تعجیل در کیفرش به دست توست مهلت می‌دهی،

به هر یک از آن دو نفر عطایی نموده‌ای که مستحق آن نبوده،

و به هر یک تفضلی فرموده‌ای که عملش از آن قاصر است،

و اگر مطیع را بر آنچه حضرتت او را بر آن گماشته‌ای (نه بر عمل خودش) جزا می‌دادی، بیم آن بود
که ثوابت را از دست بدهد، و نعمتت از او زایل شود،

ولی تو به بزرگواری خود در برابر مدت کوتاه از دست رفتنی به مدتی طولانی و همیشگی،

و در مقابل مدت نزدیک گنرا با مدت دامنه‌دار جاوید او را پاداش دادی،
سپس در برابر رزقی که از سفره نعمت تو خورده تا به سبب آن بر طاعتت نیرو گیرد با او معامله
پایاپای نکردی،
و از او بازپرسی دقیق درباره ابزاری که آنها را سبب رسیدن به مغفرتت قرار داده نمودی،
و اگر با مطیع چنین رفتو می‌نمودی تمام حاصل دسترنج و سعی و زحمت او در مقابل کوچکترین
نعمت‌ها و عطاهایت از دست می‌رفت،
و در پیشگاه مقدّست به خاطر سایر نعمتهایت در گرو می‌ماند،
پس چه زمانی شایستگی چیزی از ثواب تو را می‌داشت، نه، هیچ گاه!!
این است -خدای من-
حال آن کسی که تو را فرمان برده، و سرنوشت کسی که به عبادت تو اقدام نموده،
و اما آن که از تو نافرمانی کرده و نهی تو را مرتکب شده پس عجله - در انتقام از او نکردی،
تا مگر به جای حال معصیت تو حال برگشت به طاعت تو گزیند،
در صورتی که او در اولین باری که بر عصیان تو همّت نموده مستحق تمام عقوبتهایی که برای جمیع
بندگان مهیا نموده‌ای گشته،
پس هر عذابی که از او به تأخیر انداخته‌ای،
و هر سطوت انتقام و عقابی که از او بازپس داشته‌ای حق قطعی توست که وامی گذاری،
و به کمتر از آنچه استحقاق توست رضا داده‌ای.
پس -ای خدای من- کریم‌تر از تو کیست؟
و بدبخت‌تر از کسی که به سبب مخالفت با تو هلاک شده، چه کسی است؟
نه، هیچ کس!
پس تو والاتر از آنی که جز به احسان وصف شوی،
و منزّه از آنی که جز از جهت عدل از تو بترسند،
بیم جور و جفا به معصیت کار از تو نمی‌رود،
و ترس و آگذاشتن پاداش کسی که تو را به عبادت خشنود ساخته در کار نیست،
پس بر محمد و آتش درود فرست، و آرزوی مرا برآور،

و هدایتت را آن گونه بر من افزایش ده که به سبب آن توفیق در کار خویش یابم،
زیرا که تو بخشنده کریمی.

اللهم صل على محمد وآل محمد وعلم بنفوسنا



داستان زندگی حضرت ایوب علیه السلام



حضرت ایوب از نوادگان اسحاق بن ابراهیم بود. خداوند متعال وی را به پیامبری برانگیخت. او را از نعمت های وافر، فرزندان، باغ ها و گوسفندان و جاه و جلال بهره مند ساخت. همواره بر سر سفره اش یتیمان و نیازمندان بسیاری می نشستند و در مورد اقوام و نزدیکان صله ارحام به جا می آورد.

فرشتگان به واسطه شکرگذاری او از نعمت های بیکران خداوند دائماً او را به بزرگی یاد می کردند. همین امر باعث شد شیطان در صدد بر آید تا از مقام او بکاهد و او را در گودال بدبختی بیاندازد، لذا به پیشگاه خداوند اعتراض کرد که شکرگذاری ایوب به دلیل نعمت های زیادی است که به او بخشیده ای و اگر این نعمت ها از او ستانده شود و در ناراحتی و گرفتاری قرار گیرد به طور حتم دیگر از او شکرگذاری نخواهی دید.

خداوند که از باطن بندگان خویش بخوبی آگاه است برای این که ایمان کم نظیر ایوب را به دیگران اثبات کند، تمام اموال، مزارع و اغنام او را در اختیار شیطان قرار داد و به شیطان فرمود:

ثروت و فرزندان ایوب از آن تو.

ابلیس تمام اموال و فرزندان او را به نابودی و هلاکت کشاند،

این رخداد هیچ ناراحتی و اندوهی در ایوب ایجاد نکرد.

نابود شدن اموال و هلاکت فرزندان ایوب، سبب ناسپاسی او نسبت به خدای تعالی نشد.

بلکه بیش از گذشته به شکرگذاری خداوند پرداخت.

لذا وقتی شیطان خود را شکست خورده و ذلیل دید، آخرین تیر خود را در کمان گذاشت، تندرستی ایوب را نشانه گرفت از خداوند خواست، جسم سالم او را گرفتار مرض و بیماری کند تا بیماری ایوب سبب ناشکیبایی و ناسپاسی او نسبت به خداوند گردد.

ایوب بیمار شد، بیماری طوری بود که کرم در هفت اندام ایوب افتاد و متعفن گردید،

طوری که مردمان شهر جمع شدند و گفتند ما می ترسیم بیماری تو به ما و فرزندانمان سرایت کند. از این شهر برو با خواری او را از شهر بیرون کردند.

همسرش با او می رفت و بسیار گریه می کرد و می گفت:

چه شد آن همه عزت و نعمت؟!

چرا ما را با این خواری از شهر بیرون کردند.

تنها کسی که تا آخرین لحظات در کنار او ماند همسر وفادارش «رحمه» که بسیار مهربان و دلسوز بود و با سختی و فلاکت زندگی را می گذراند.

سالها گذشت اما از صبر و شکیبایی ایوب اندکی کاسته نشد بلکه هر روز بیش از گذشته به شکرگذاری خداوند می پرداخت،

همین امر شیطان را ذلیل و بیچاره کرد از عمق وجودش فریادی برآورد،

فرزندان شیطان دورش جمع شدند و علت را جویا شدند.

ابلیس گفت: ایوب مرا به زانو درآورد و شرمنده پروردگار شدم شما را خواندم تا مرا راهنمایی و کمک کنید.

گفتند: چرا از مکرها و حيله هایی که با آن امت های گذشته را به بیراه می کشیدی استفاده نمی کنی؟! گفت: تمام حيله ها را به کار بردم اما در این بنده اثر نکرد.

گفتند: پدرش، آدم را به واسطه همسرش از بهشت بیرون کرد، تو نیز آن راه را برگزین و از طریق همسرش ایوب را گرفتار و ذلیل کن.

این شیوه مورد تأیید شیطان قرار گرفت.

او خود به صورت مردی درآورد و به سراغ رحمه رفت و شروع به وسوسه کردن او کرد و گفت:

آن همه ثروت و اموال، از دست شما رفت، فرزندانم به هلاکت رسیدند، همسرت نیز دچار بلا و بیماری شده است. بگمان نمی کنم این بلا و گرفتاری هیچ گاه از شما دور شود!

رحمه از شنیدن این سخنان آهی از ته دل برآورد.

شیطان گفت: برای رهایی از این گرفتاری ها، این گوسفند را نزد همسرت ببر و بگو آن را ذبح کند و هنگام ذبح کردن نام خدا را بر زبان جاری نسازد تا شفا یابد.

رحمه شتابان به سوی ایوب رفت و گفت: ای ایوب تا چه وقت خداوند تو را این گونه عذاب می کند!

آن همه مال و ثروت را از تو ستاند، فرزندان تو؟ زیبایی چهره ات کجا رفت؟

بیا این گوسفند را بدون اینکه نام خداوند را ببری ذبح کن تا سلامت شوی.

ایوب گفت: شیطان سراغ تو آمده و تو را وسوسه کرده و تو نیز سخنان او را قبول کردی؟

وای بر تو رحمه! آن همه مال و اموال و فرزندان را چه کسی به ما داده بود؟

گفت: خدا.

ایوب گفت: ما چند سال در ناز و نعمت به سر می بردیم؟ گفت: هشتاد سال.

ایوب گفت: چند سال است که گرفتار شده ایم؟!

گفت: هفت سال.

ایوب فریاد زد وای بر تو خیلی ناسپاسی کردی؟

چرا تحمل نکردی تا سختی ما به اندازه مدت راحتی و آسایش مان برسد؟

در خبری دیگر آمده است که یک روز رحمه بسیار گشت و هیچ چیز به دست نیاورد، نمی خواست تهی دست به پیش ایوب برگردد.

نومید و غمگین شد در این جا شیطان خود را به صورت زنی مُنعمه (ثروت مند) در آورد و جلوی رحمه ظاهر گشت. رحمه گفت: چیزی بده تا پیش بیمارم ببرم در ازای آن برایت کار می کنم.

زن گفت: من کاری ندارم که تو برآیم انجام دهی، اما اگر گیسوان خود را ببری و به من بدهی به تو چیزی می دهم تا برای بیمارم ببری.

رحمه بسیار گریست و گفت که این را از من نخواه.

آن زن به سخنان رحمه هیچ توجهی نکرد.

رحمه می خواست پیش ایوب بازگردد اما دست خالی نمی توانست چاره ای جز بریدن گیسوان خود ندید مویش را برید و به آن زن داد.

شیطان به صورت آدمی شد و پیش ایوب آمد و گفت:

زنت کار بد کرد گیسوانش را بریدند.

(در هر دو روایت) ایوب غم و غصه زیاد خورد و ناله کرد به همسرش گفت:

به خدا قسم اگر حق تعالی مرا شفا دهد برای همین گناहत تو را صد تازیانه خواهم زد. از نزد من برو. آب و غذای تو بر من حرام است و دیگر از دست تو آب و نانی نخواهم خورد.

همسر ایوب از کنار او رفت و ایوب خود را در سختی و گرفتاری ها دید،

در آن وضعیت پیشانی بر خاک نهاد و گفت: پروردگارا، سختی و گرفتاری بر من فشار آورده است و تو مهربانترین مهربانان هستی. دری از رحمت خود بر من بگشا و مرا رهایی بخش.

خداوند دعای ایوب را مستجاب کرد از جانب جبرئیل (ع) وحی آمد،

یا ایوب برخیز که خدای متعال بر تو رحمت کرده و تو را راحتی و فرج داد.

ایوب گفت: چگونه برخیزم در صورتی که حال من اینگونه است؟

گفت: یا ایوب، پای بر زمین بزن.

ایوب علیه السلام پای بر زمین بزد به سرعت زیر پایش چشمه آبی پدیدار شد در زیر پای دیگرش نیز همچنین.

جبرئیل گفت: از این چشمه بدن خود را شستشویی ده تا تمام کسالت ها و مرض های تو برطرف شود و قدرت بینی.

و از چشمه دیگر بنوش تا رحمت بینی.

ایوب در آن چشمه فرورفت و هفت جای بدنش سلامت شد گویی که هرگز او دچار بیماری و مرضی نبوده است.

خداوند به پاس صبر و شکیبایی بی مانندش فرزندانش را به او بازگرداند.

پس از مدتی همسرش برای رسیدگی به حال او به آن مکان برگشت ولی از شوهر مریض و بیمار خود اثری نیافت.

اشک از چشمانش جاری شد، ناله و زاری برآورد و ای پیغامبر! وای بیمار من! ای کاش می دانستم کدام گرگ تو را خورده تا من این درد را نداشته باشم که تو را پیدا نکنم؟!

ایوب وقتی صدای رحمه را شنید آواز برآورد که ای زن چرا گریه می کنی؟!

رحمه نزدیک او رفت و گفت: من اینجا بیماری داشتم، اکنون او را پیدا نمی کنم! تو می دانی او کجاست؟ یا حالش چطور است؟

ایوب گفت: بیمار تو چگونه بود؟ و اسمش چه بود؟

رحمه گفت: در وقت سلامتی شبیه تو بود، و اسمش ایوب بود.

ایوب گفت: آن کسی که دنبالش می گردی من هستم.

رحمه خوب نگریست متوجه شد که ایوب است او را در آغوش گرفت و شادمانی کرد.

گفت: چه شد که سلامت گشتی؟

ایوب چگونگی حال و آمدن جبرئیل (ع) و بوجود آمدن آن چشمه ها را نیز گفت. رحمه خدای را - عزوجل - شکر کرد.

برای اینکه ایوب از ذمه سوگندی که درباره تازیانه زدن و تادیب همسرش یادکرده بود رها شود به او وحی رسید که دسته ای از سوفار که دارای صد دانه باشد بردار و با ملایمت و مهربانی به همسرت بزن تا به قسم خود عمل کرده باشی تا همسر مهربانت هم که در دوران سختی و رنج با تو وفادار بوده از تو نرنجد.

آری خداوند در برابر صبر ایوب تمام نعمت های از دست رفته را به او باز گرداند و به همان اندازه به آن اضافه کرد تا این امر برای صاحبان و خردمندان پند و اندرزی باشد در هنگام سختی و بلا مضطرب نشوند و با صبر و شکیبایی نجات خود را از خداوند طلب کنند.



وَأَذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ
ارْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغَسَّلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ

و بنده ی ما ایوب را یاد کن، آن گاه که پروردگارش را ندا داد که:

شیطان مرا به رنج و عذاب افکنده است.

(به او گفتیم:) پای خود را بر زمین بزن (تا از زیر پای تو چشمه ای جاری کنیم)

این چشمه ی آبی خنک برای شستشو و نوشیدن است.

سوره. ص _ آیه ۴۱، ۴۲

وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَذِكْرَى لَأُولَى الْأَلْبَابِ
وَأَخَذْ بِبِدِكَ ضِعْفًا فَأَضْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنُتْ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نَعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ

و ما بر اساس رحمت خویش خانواده اش را (که در اثر بیماری سخت و طولانی، از او جدا شده بودند) به او بخشیده و برگرداندیم و همانند آنها را به آنان افزودیم (و بستگانش را توسعه دادیم) تا برای خردمندان پندی باشد.

(و او را از بن بست تعهدی که کرده بود نجات دادیم. او سوگند یاد کرده بود که به خاطر تخلف همسرش ضربه ای شلاق به او بزند لیکن چون همسرش وفادار بود به او گفتیم:)

دسته ای از شاخه های نازک گیاه به دست خود بگیر و با آن بزنی تا (بدن همسرت آزرده نشود)

و سوگند را مشکن.

ما ایوب را صابر یافتیم، چه بنده ی خوبی که بسیار توبه و انابه دارد.

صاد آیه ۴۳، ۴۴

لَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ



شکر در سخنان گهربار معصومین علیهم السلام

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم :

«ما فَتَحَ اللهُ عَلَيَّ عَبْدٍ بَابَ شُكْرِ فَخَزُنَ عَنْهُ بَابَ الزِّيَادَةِ»

خدائی که راه شکر را باز کرده راه افزایش را نبسته است .

اصول کافی، ج ۲، ص ۹۴



رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم :

«أَسْرَعُ الذُّنُوبِ عُقُوبَةً كُفْرَانُ النِّعْمَةِ»

سریعترین کیفرها کیفر کفران نعمت است .

سفینة البحار، ج ۱، ص ۷۱۰



امام علی علیه السلام :

«شُكْرُ النِّعْمِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ»

شکر نعمت بر رزق می افزاید.

نورالثقلین، ج ۲، ص ۵۲۹

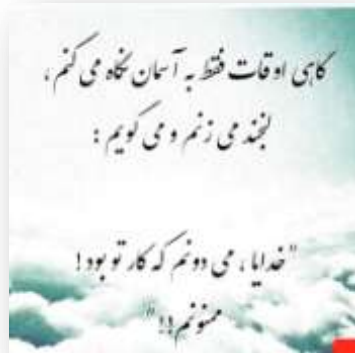
گاهی
در همان جایی که هستید
مدتی متوقف می گردید
چون خدا می داند آنجایی
که قرار است بروید
طوفانی برپاست.
شکر گزار باشید.

امام مجتبی علیه السلام :

«اللَّوْمُ أَنْ لَا تَشْكُرَ النِّعْمَةَ»

از پستی است که انسان از نعمت قدردانی نکند.

مجالس السنیه، ج ۲، ص ۳۴۷



امام مجتبی علیه السلام :

«لَا فَتَحَ لِعَبْدٍ بَابَ شُكْرِ فَخَزَرَ عَنْهُ بَابَ الْمَزِيدِ»

خدا درب شکر را باز نکرده و راه افزایش را ببندد.

مجالس السنیه، ج ۲، ص ۳۴۹



امام سجاد علیه السلام :

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ كُلَّ قَلْبٍ حَزِينٍ وَ يُحِبُّ كُلَّ عَبْدٍ شَاكِرٍ»

خدای عزیز تمام قلبهای محزون و تمام بندگان شکرگزار را دوست دارد.

الحقائق، ص ۱۵۳



امام باقر علیه السلام :

«لَا يَنْقَطِعُ الْمَزِيدُ مِنْ اللَّهِ حَتَّى يَنْقَطِعَ الشُّكْرَ عَلَى الْعِبَادِ»

زیاد شدن نعمت خدا قطع نمی گردد مگر اینکه شکر بندگان خدا قطع گردد.

سفینه البحار، ج ۱، ص ۷۱۱



امام صادق علیه السلام :

«فِي كُلِّ نَفْسٍ مِنْ أَنْفَاسِكَ شُكْرٌ لَازِمٌ»

در هر نفسی که می کشی باید شکرش بجای آوری .

سفینه البحار، ج ۱، ص ۷۱۰

خدایا! تو را شکرگزارم
بخاطر شیهایی که تبدیل
به صبح شدند،
دوستانی که مبدل
به خویشاوند شدند،
رویاهایی که به
حقیقت پیوستند،
و دوست داشتن هایی
که منتهی به عشق
شدند.

امام صادق علیه السلام :

شُكْرُ النَّعْمِ اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ وَ تَمَامُ الشُّكْرِ قَوْلُ الرَّجُلِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (الحقائق، ص ۱۵۱ و «
(اخلاق شبر، ص ۲۳۷)

شکر نعمت پرهیز از کارهای حرام است و شکر کامل این است که انسان بگوید:

الحمد لله رب العالمين

خدایا!

می دانم که بی عیب نیستم،
می دانم که گاهی تو را فراموش میکنم،
می دانم که ایمانم دچار لغزش شده،
می دانم گاهی خونسردی ام را
از دست می دهم،
اما از اینکه مرا بی قید و شرط
دوست داری و فرصت دیگری
به من می بخشی تا از تو
آغاز کنم، سپاسگزارم!

امام صادق علیه السلام :

«ثلاث لا يضرّ معهنّ شيء: الدعاء عند الكرب و الاستغفار عند الذنب و الشكر عند النعمة»

وجود سه چیز است که با وجود آن ضرری متوجه انسان نمی گردد:

دعا به هنگام سختی،

استغفار موقع گناه و شکر به هنگام نعمت .

جامع السعادات، ج ۳، ص ۱۹۲ و اخلاق شبر، ص ۲۳۶



امام صادق علیه السلام :

« كان رَسُولُ اللَّهِ: إِذَا وَرَدَ عَلَيْهِ أَمْرٌ يَسْرُهُ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى هَذِهِ النِّعْمَةِ وَإِذَا وَرَدَ عَلَيْهِ أَمْرٌ يَغْتَمُّ بِهِ قَالَ «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ»

وقتی موضوعی پیش می آمد که رسول خدا(ص) را خوشحال می کرد می گفت:

خدای را سپاس می کنم بر این نعمت ،

و آنگاه که موضوعی پیش می آمد که او را غمناک می ساخت می گفت:

حمد مخصوص خدا در هر حال است .

الحقایق، ص ۱۵۱



امام جواد علیه السلام :

«نعمة لا تشکر سیئة لا تغفر»

نعمتی که از آن شکرگزاری نشود گناهی است که بخشیده نمی شود .



امام صادق علیه السلام:

«إذا انعم الله عليك بنعمة فاحببها فإحبابها فاكثر من الحمد والشكر...»

آنگاه که خدا نعمتی به تو داد و خواستی آن را حفظ کنی باید حمد و شکر خدا را زیاد انجام دهی.

مجالس السنیه، ج ۲، ص ۵۰۴



امام صادق علیه السلام:

«فی كُلِّ نَفْسٍ مِنْ أَنْفاسِكَ شُكْرٌ لَازِمٌ»

در هر نفسی که می کشی باید شکر بی جای آوری.
سفینه البحار، ج ۱، ص ۷۱۰



امام زمان علیه السلام

سَجْدَةُ الشُّكْرِ مِنْ أَلْزَمِ السُّنَنِ وَأَوْجِبِهَا ... فَإِنَّ فَضْلَ الدُّعَاءِ وَالتَّسْبِيحِ بَعْدَ الْفَرَائِضِ عَلَى الدُّعَاءِ بِعَقِيبِ
النَّوَافِلِ، كَفَضْلِ الْفَرَائِضِ عَلَى النَّوَافِلِ، وَالسَّجْدَةُ دُعَاءٌ وَتَسْبِيحٌ

سجده ی شکر، از لازم ترین و واجب ترین مستحبات الهی است ...

همانا، فضیلت دعا و تسبیح پس از واجبات بر دعای بعد از نوافل،

همانند فضیلت واجبات بر نوافل است.

سجده، دعا و تسبیح است.



روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر فاطمه مرضیه علیها السلام وارد شد ، و دید آن مخدّره خود را به وسیله آنچه بر روی شتر بود پوشانده است ، و مشغول دستاس کردن می باشد ،

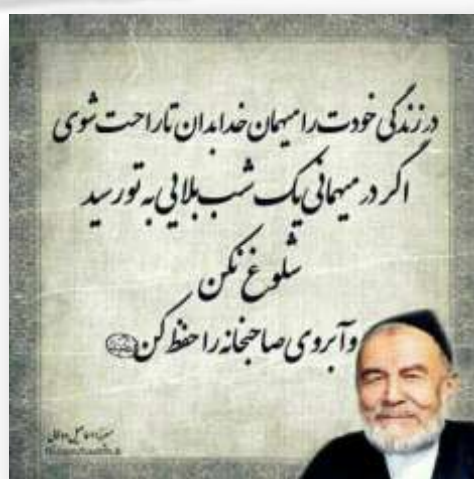
و شیر خواره اش نیز در دامانش شیر می نوشد.

حضرت رسول گریان شد و فرمود:

ای دخترم! تلخی های دنیا زودگذر می باشد ولیکن لذت‌های آخرت جاوید است.

فاطمه زهرا اظهار داشت:

من خداوند را بر نعمت هایش شکر می گویم و در تمام حالات حقّ او را پاس می دارم.



امام رضا علیه السلام :

... إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَ بِثَلَاثَةِ مَقْرُونٍ بِهَا ثَلَاثَةٌ أُخْرَى

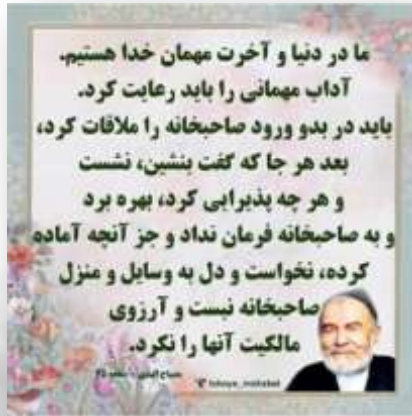
... وَ أَمَرَ بِالشُّكْرِ لَهُ وَ لِلْوَالِدَيْنِ؛ فَمَنْ لَمْ يَشْكُرْ وَالِدَيْهِ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ

خداوند سه چیز را با سه چیز دیگر واجب کرده:

شکر خود را با شکر پدر و مادر،

هر که از پدر و مادر قدردانی و تشکر نکند شکر خدایش قبول نشود...

بحار الأنوار؛ جلد ۷۱؛ صفحه ۶۸



حضرت علی علیه السلام :

شکر خدا

شُكْرُ إِلَهِكَ بِطُولِ الثَّنَاءِ

شکر خداوند معبود تو به درازی ستایش است؛

یعنی به این که همواره ثنا و ستایش او کنی و به دل و زبان ذکر نعمت ها و نیکویی های او نمایی



حضرت علی علیه السلام :

ستایش از مافوق
شُكْرُ مَنْ فَوْقَكَ بِصِدْقِ الْوَلَاءِ

شکر کسی که بلندمرتبه تر از تو باشد به راستی دوستی است؛

یعنی هرگاه کسی بلندمرتبه تر از تو باشد و احسانی به تو کرده باشد که شکر آن باید کرد و تو را رتبه آن نباشد که در عوض احسانی به او بکنی، شکر احسان او این است که محبت صادق و دوستی راست به او داشته باشی و شرایط آن را از دعا و مانند آن به عمل آوری.



حضرت علی علیه السلام :

سپاس از هم مثل
شُكْرُ نَظِيرِكَ بِحُسْنِ الْإِحَاءِ

شکر مثل و مانند تو به نیکویی برادری است؛

یعنی هرگاه مثل و مانند تو به تو احسانی کرده باشد، شکر آن این است که چنان که او به تو برادری را نیکو کرده تو نیز با او برادری را نیکو کنی و به او احسان کنی.



حضرت علی علیه السلام :

شکر زبردست
شُكْرُ مَنْ دُونَكَ بِسَيِّبِ الْعَطَاءِ.

شکر کسی که پست مرتبه تر از تو باشد به روان شدن عطاست؛

یعنی هرگاه کسی که پست مرتبه تر از تو باشد احسانی به تو کرده باشد که باید شکر آن بکنی، شکر او این است که عطا روان کنی به سوی او و او را به جود و بخشش نوازش نمایی.



حضرت علی علیه السلام :

شکر و کفران
شُكْرُ النِّعْمِ يُوجِبُ مَزِيدَهَا، وَ كُفْرُهَا بُرْهَانُ جُحُودِهَا
 شکر نعمت ها زیادتى آن ها را واجب می سازد،
 و کفران آن ها دلیل انکار آن هاست؛

یعنی انکار اینکه آن ها از جانب خدای عزوجل باشد و به سبب آن ها شکر او باید کرد؛

چه اگر کسی قائل به این باشد معقول نیست که کفران آن ها کند و شکر ننماید، و ممکن است که «جحود» در این جا به معنی انکار نباشد، بلکه به معنی کم شدن و تیره گشتن باشد و ترجمه این باشد که: کفران آن ها دلیل کم شدن و تیره شدن آن ها باشد.



از دیدگاه امام علی(ع) چه چیزی سبب زیاد شدن نعمت می شود؟

سبب زیاد شدن نعمت ها از نظر قرآن و امام علی علیه السلام، بجا آوردن شکر آن است.

قرآن مجید می فرماید:

"لئن شکرتم لازیدنکم ..."

یعنی: اگر واقعا سپاسگزاری کنید (نعمت) شما را افزون خواهم کرد.

امام علی علیه السلام نیز می فرماید:

بهترین مردم در برخورد با نعمت های خداوند کسی است که با شکرگزاری باعث ادامه نعمت های موجود شود و با صبر کردن نعمت های از دست رفته را بازگرداند.

حضرت در کلام دیگری تقوی را موجب از دیدن نعمت ها می داند و می فرماید:

کسی که تقوی داشته باشد نعمت هایی که بر او کم شده است، فزونی می یابد.

و شاید لازم نباشد که متذکر گردیم رعایت تقوای الهی نوعی شکرگزاری به درگاه باری تعالی محسوب می گردد و در واقع شکرگزاری و سپاسگزاری واقعی و عملی همین قسم از شکرگزاری می باشد.



شکر و صبر دو خیر بدون شر

امام حسن مجتبی (ع) فرمود:

أَلْخَيْرُ الَّذِي لَا شَرَفِيهِ:

أَلشُّكْرُ مَعَ النِّعْمَةِ، وَالصَّبْرُ عَلَى النَّازِلِ؛

آن خوبی که شر و آفتی در آن نباشد،

شکر در مقابل نعمت ها و صبر و شکیبایی در برابر سختی هاست .



امام حسین علیه السلام :

شُكْرُكَ لِنِعْمَةٍ سَالِفَةٍ يَفْتَضِي نِعْمَةً آتِيَةً

شکر تو بر نعمت گذشته، زمینه ساز نعمت آینده است



حضرت امام حسین علیه السلام،

در «دعای عرفه» خدا را شکر می کند که در دولت کفر به دنیا نیامده است

(چون ایشان در دولت پیغمبر به دنیا آمدند)

آری! این قضیه آن قدر عظمت دارد که امام حسین، آن هم در دعای عرفه خدا را شکر می کند.



حسن بن علی فضال میگوید:

امام رضا علیه السلام فرمود:

سجده بعد از نماز واجب ، شکر و سپاسگزاری خداوند است که بنده اش را موفق به عبادت کرد، و در آن سه مرتبه باید گفت، شکر الله.

راوی میگوید: گفتم معنی شکر الله چیست؟

امام رضا علیه السلام فرمود:

یعنی شکر می کنم خداوندی را که مرا توفیق عبادت و بندگی داد تا توانستم واجبات و فرایض او را انجام دهم .



ابوالحسن صائغ از عمویش نقل می کند که گفت
شنیدم امام رضا علیه السلام در سجده اش این دعا را میخواند:

لک الحمدان اطعتک و لا حجة لی ان عصیتک و لا صنع لی و لا
لغیری فی احسانک و لا عذر لی ان اسأت. ما اصابنی من حسنة فمَنک یا کریم اغفر لمن فی مشارق
الارض و مغاربها من المؤمنین و المؤمنات.

خدایا حمد مخصوص توست .

اگر تو را اطاعت کنم و مرا حجتی و عذری نیست اگر تو را معصیت و نافرمانی کنم ،

و عملی از برای من و غیر من نیست در احسان و بخشش تو،

و مرا عذری نیست اگر کار بدی انجام دهم ، و آنچه خوبی و نیکی به من
رسد همه از جانب تو است .

ای کریم

بیامرز هر کس که در مشرق و مغرب عالم از مؤمنین و مؤمنات است .



اعملوا آل داود شکراً و قليلاً من عبادى الشكور؛ (۷)

ما به آنان گفتیم:

ای آل داود (در مقابل این همه نعمت) سپاسگزار باشید،

و حال آنکه قلیلی از بندگان من شکرگزارند.

سبأ آیه ۱۳



امام رضا علیه السلام:

کسی که خدا را بر نعمتهایش حمد و سپاس گوید شکر او را به جا آورده است

و ارزش و فضیلت این حمد، از خود نعمت، بیشتر است.



پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم:

مَنْ تَظَاهَرَتْ نِعْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ فَلْيُكْثِرِ الشُّكْرَ.

کسی که نعمت های خدا را بر خود مستدام می بیند باید که بسیار شکور و سپاسگذار باشد.

الشهاب في الحکم و الآداب، ص ۴۹



مولى امير المؤمنين عليه السلام:

شُكْرُ النِّعَمِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ.

شکر نعمت، نعمتت افزون کند.

بحار، ج ۷۱، ص ۴۴



امام جعفر صادق علیه السلام :

الشُّكْرُ زِيَادَةٌ فِي النِّعَمِ وَ أَمَانٌ مِنَ الْفَقْرِ.

شکرگزاری باعث وفور نعمت و مصونیت از فقر و تهیدستی است.

تحف العقول، ص ۳۷۶



امام حسن مجتبی(ع):

تُجْهَلُ النِّعْمُ مَا أَقَامَتْ، فَإِذَا وَلَّتْ عُرِفَتْ!

نعمت تا زمانی که در دسترس و پابرجاست قدر آن نشناخته است،

همین که از دست رفت، قدر آن (تازه) شناخته می‌شود!

بحار، ج ۷۸، ص ۱۱۵



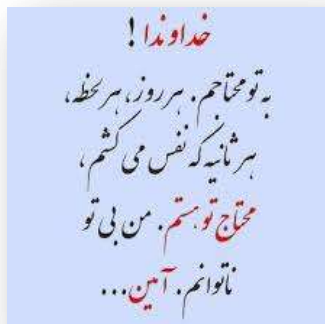
امام رضا علیه السلام :

أَحْسِنُوا جَوَارَ النِّعْمِ فَإِنَّهَا وَحْشِيَّةٌ! مَا نَأَتْ عَنِ قَوْمٍ فَعَادَتْ إِلَيْهِمْ.

وقتی نعمتی به شما رسید قدر آن را کاملاً بدانید که نعمت گریزپا است،

وقتی از دست رفت دیگر باز نمی‌گردد!

(مُسْنَدُ الْإِمَامِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ، ج ۱، ص ۲۸۶)



امام موسیٰ کاظم علیه السلام:

مَنْ حَمِدَ اللَّهَ عَلَيَّ النِّعْمَةَ فَقَدْ شَكَرَهُ وَ كَانَ الْحَمْدُ أَفْضَلَ مِنْ تِلْكَ النِّعْمَةِ.

کسی که بر نعمتی حمد خدا را کند و الحمد لله بگوید او را شکرگزاری کرده است ،
و این حمد او از آن نعمتی که به او داده افضل و بالاتر است.

بحار، ج ۷۱، ص ۳۱



امام زین العابدین علیه السلام :

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ كُلَّ عَبْدٍ شَكُورٍ.

خداوند بندگان شکور و سپاسگزار خود را دوست می‌دارد.

وسائل، ج ۱۱، ص ۵۳۹



مولي امير المؤمنين عليه السلام: >>

اِحْدَرُوا نِفاَرَ النِّعمِ فَمَا كُلُّ شَارِدٍ بِمَرْدودٍ!

از دست دادن نعمت ها را بر حذر باشید

(و بدانید) که نه هر چیزی که از دست رفت دوباره باز می گردد!

نهج البلاغه، ۲۳۸



مولي امير المؤمنين عليه السلام :

شُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ أَلْوَرَعُ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ.

شکر هر نعمتی در این است که انسان آنچه خدا بر او حرام کرده از آن دوری نماید.

خصال، ج ۱، ص ۱۱



امام حسن مجتبی(ع):

النَّعْمَةُ مِحْتَةٌ فَإِنْ شُكِرَتْ كَانَتْ نِعْمَةً وَإِنْ كُفِرَتْ صَارَتْ نِقْمَةً

نعمت‌های خداوند يك آزمون است اگر شکر و حق آن ادا شود برای انسان نعمت و اگر ناسپاسی کرد (همان نعمت) برایش نعمت و عذاب خواهد بود.

بحار، ج ۷۸، ص ۱۱۳



امام جعفر صادق علیه السلام :

مَنْ أُعْطِيَ الشُّكْرَ أُعْطِيَ الزِّيَادَةَ يَقُولُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ «لَنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ».

کسی که توفیق شکرگزاری به او عطا شده زیادتی نعمت هم نصیب او می‌گردد.

خداوند متعال می‌فرماید :

«اگر شکرگزار باشید حتماً شما را زیاده خواهم بخشید».

بحار، ج ۷۱، ص ۴۰



امام رضا علیه السلام :

أَسْرَعُ الدُّنُوبِ عُقُوبَةً كُفْرَانُ النِّعْمَةِ.

گناهانی که کیفر آنها زودتر دامنگیر انسان می شود کفران نعمت ها است.

مُسْنَدُ الْإِمَامِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ، ج ۱، ص ۲۸۰

درست زمانی که از وضعیت
زندگیت شکایت میکنی
مردمانی هم هستند که برای
داشتن زندگی مثل تو و بودن به
جای تو
حاضرند به هر کاری دست بزنند!

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم :

الْإِيمَانُ نِصْفَانِ: نِصْفٌ فِي الصَّبْرِ وَ نِصْفٌ فِي الشُّكْرِ.

ایمان دو نیم است:

نیمی صبر و شکیبایی و نیمی دیگر شکر و سپاسگزاری است.

تحف العقول، ص ۴۷



امام جواد(ع):

نِعْمَةٌ لِاتِّشْكُرُ كَسِيئَةً لِاتَّغْفَرَ.

نعمتی که شکر آن ادا نشود، همانند گناهی است که آمرزیده نگردد.

بحار، ج ۷۱، ص ۵۳



مولى امير المؤمنين عليه السلام :

إِنَّ أَهْنَآ النَّاسِ عِشْآءً مِّنْ كَآءٍ بِمَا قَسَمَ اللّٰهُ لَهُ رَاضِئِآءً.

گواراترين زندگي را كسي داراست كه به قسمت الهي خود راضي باشد.

فهرست غرر، ص ۱۳۷

اگر بعد از هر
لبخندی
خدا را سپاس نگوئید،
روا نیست
بعد از هر
اشکی
از او گلایه کنید....

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم :

علامة الشاکر اربعة: الشکر فی النعماء و الصبر فی البلاء و القنوع بقسم الله و لا یحمد و لا یعظم الا الله.

آدم شکرگزار چهار علامت دارد:

در وقت نعمت شاکر،

هنگام بلا صابر،

به قسمت خدا قانع،

و تنها خدا را ستایش و بزرگداشت می دارد.

(تحف العقول، ص ۲۱)

تو
میبینی ✓
میشنوی ✓
راه میری ✓
حرف میزنی ✓
بگو خدا را شکر

امام هادي(ع):

إِنَّ النِّعْمَ مَتَاعٌ وَ الشُّكْرَ نِعْمٌ وَ عُقْبِي.

نعمت هاي خدا براي انسان كالاي دنياست ،

اما شكرگذاري هم نعمت است و هم آخرت و خوش عاقبتي.

بحار، ج ۷۸، ص ۳۶۵



امام محمدباقر عليه السلام :

اسْتَكْتِرْ لِنَفْسِكَ مِنَ اللَّهِ قَلِيلَ الرِّزْقِ تَخْضَعُ إِلَيَّ الشُّكْرَ.

روزي كم را از طرف خدا براي خود بسيار بشمار تا بتواني از عهده شكر آن برآيي.

تحف العقول، ص ۲۹۳



مولي امير المؤمنين عليه السلام :

اِذَا وَصَلَتْ اِلَيْكُمْ اَطْرَافُ النِّعَمِ فَلَا تُنْفِرُوا اَقْصَاهَا بِقِلَّةِ الشُّكْرِ!

نعمتی! که به دستتان رسید، با قصور در شکرگزاری آن، نیمه‌کاره آن را از دست ندهید.

بحار، ج ۷۱، ص ۵۳



پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم :

لَا يَشْكُرُ اللهُ مَنْ لَمْ يَشْكُرِ النَّاسَ.

کسی که از مردم (در برابر محبت‌های آنها) سپاسگزاری نکند خدا را سپاسگزاری نکرده است.

الفقیه، ج ۲، ص ۳۴۳



پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم:

مَنْ آتَى إِلَيْكُمْ مَعْرُوفًا فَكَافِئُوهُ وَ إِنْ لَمْ تَجِدُوا فَاتُّنُوا فَإِنَّ الشُّنَاءَ جَزَاءٌ.

اگر کسی به شما محبتی کرد شما هم محبت او را جبران کنید و اگر نتوانستید (لااقل) از او تشکر نمایید، این تشکر شما پاداش او خواهد بود.

تحف‌العقول، ص ۴۹



امام جواد(ع):

لَا يَنْقُطُ الْمَزِيدُ مِنَ اللَّهِ حَتَّى يَنْقُطَ الشُّكْرُ مِنَ الْعِبَادِ.

تا زمانی که بندگان از شکرگزاری به درگاه خدا دریغ نمی‌دارند از دیاد نعمت و تفضلات خداوند نیز از آنها دریغ نخواهد شد.



مولي امير المؤمنين عليه السلام :

مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْإِنْعَامَ فَلْيُعَدَّ مِنَ الْإِنْعَامِ!

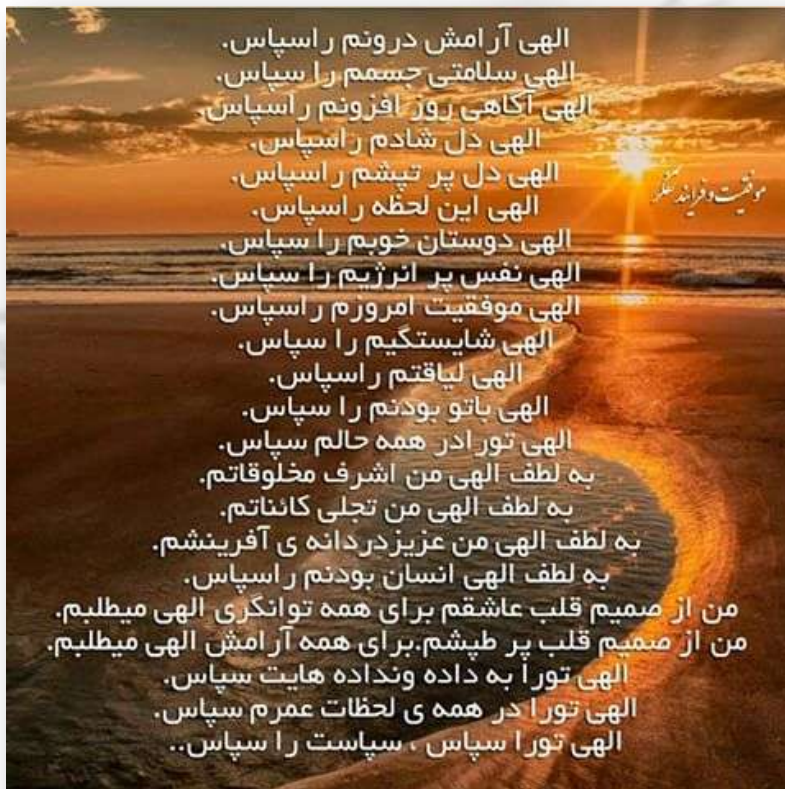
کسي که نعمت‌ها را سپاسگزاري نمي‌کند بايد او را همدوش و در ردیف حيوانات به حساب آورد!
فهرست غرر، ص ۸۰



امام موسي کاظم عليه السلام :

إِنَّ كُلَّ نِعْمَةٍ عَجَزَتْ عَنْ شُكْرِهَا بِمَنْزِلَةِ سَيِّئَةٍ تَوَاحَدُ بِهَا!

هر نعمتی که از عهده ی شکر آن بر نیایی در حکم يك گناه است که از آن بازخواست خواهی شد!
تحف العقول، ص ۴۱۵



پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم :

أَلْتَحَدَّثُ بِالنَّعْمِ شُكْرًا.

نعمت‌های خدا را بازگو کردن، خود شکر و سپاسگزاری است.

مواعظ عددیه، ص ۳



امام جعفر صادق علیه السلام :

الْمُعَافِي الشَّاكِرُ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الْمُبْتَلِي الصَّابِرِ.

آدم سالم شکرگزار، ثواب آدم بلانشین صبور و شکیبیا را دارد.

تحف العقول، ص ۳۸۲



امام جعفر صادق علیه السلام :

ضَغْطَةُ الْقَبْرِ لِلْمُؤْمِنِ كَفَارَةٌ لِمَا كَانَ مِنْهُ مِنْ تَضْيِيعِ النُّعْمِ.

(یکی از علل) فشار قبر برای مؤمن کیفر ناشکری او در برابر نعمت‌های الهی است.

سفینه، ج ۲، ص ۷۴



مولي امير المؤمنين عليه السلام :

كُن فِي السَّرَّاءِ عَبْدًا شُكُورًا وَ فِي الضَّرَّاءِ عَبْدًا صَبُورًا.

در روزهاي خوشي و آسايش بندهاي شاکر و سپاسگزار ،
و در روزهاي محنت و سختي بندهاي صبور و شکیبا باش.

فهرست غرر، ص ۱۷۹



امام جعفر صادق عليه السلام :

طُوبَى لِمَنْ لَمْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ كُفْرًا.

خوشا به حال کسی که شکرانگی نعمت‌های خدا را تبدیل به کفران و ناسپاسی نکند.

بحار، ج ۷۱، ص ۴۶

خدایا!

از تو بخاطر
چشم‌هایم که می‌بینند،
گوشه‌هایم که می‌شنوند،
دست‌ها و پاهایم که
حرکت می‌کنند و
عزیزانی که کنارم هستند
سپاسگزارم...

مولى امير المؤمنين عليه السلام :

تُعَرَفُ حَمَاقَةُ الرَّجُلِ بِالْأَشْرَفِ فِي النِّعْمَةِ وَ كَثْرَةِ الدُّلِّ فِي الْمِحْنَةِ.

حماقت شخص در آنجا است که در حال نعمت سرمست و ناسپاس ،

و در وقت محنت ذلیل است و بی‌تاب.

فهرست غرر، ص ۸۳

از شیخ بهایی پرسیدند:
خیلی سخت میگذرد، چه باید کرد؟؟!!!!
شیخ فرمود:
خودت که می‌گویی...
سخت میگذرد...
سخت که نمی‌ماند!!!!
پس خدارو شکر که میگذرد و نمی‌ماند!

پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله علیه و آله و سلم :

مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْقَلِيلَ لَمْ يَشْكُرِ الْكَثِيرَ.

کسی که نعمت‌های خرد و کوچک را شکرگزار نباشد ،

نعمت‌های کلان و بزرگ را نیز شکرگزار نخواهد بود.

شهاب‌الآخبار، ص ۱۵۲



امام جعفر صادق علیه السلام :

فِي كُلِّ نَفْسٍ مِنْ أَنْفَاسِكَ شُكْرٌ لَازِمٌ لَكَ بَلْ أَلْفٌ أَوْ أَكْثَرُ.

برای هر یک از نفس‌هایی تو یک شکرانه بلکه هزار و بیش از هزار شکرانه بر تو لازم است.
جامع السعادات، ج ۳، ص ۲۳۶



امام موسی بن جعفر (ع):

إِنَّ الْعَاقِلَ الَّذِي لَا يَشْعَلُ الْحَلَالَ شُكْرَهُ وَ لَا يَغْلِبُ الْحَرَامَ صَبْرَهُ.

آدم عاقل کسی است که آنچه حلال است او را از شکرگزاری باز نمی‌دارد ،
و آنچه حرام است بر استقامت و پایداری او در دین چیره نمی‌گردد.

تحف العقول، ص ۴۰۷



امام جعفر صادق علیه السلام :

شُكْرُ النِّعْمَةِ اجْتِنَابُ المَحَارِمِ وَ تَمَامُ الشُّكْرِ قَوْلُ الرَّجُلِ «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

شکر نعمت، دوری از گناهان است و کمال شکرگزاری انسان گفتن «الحمد لله رب العالمین».

بحار، ج ۷۱، ص ۴۰



امام جعفر صادق علیه السلام :

ما أَنْعَمَ اللهُ عَلَيَّ عَبْدٍ بِنِعْمَةٍ صَغُرَتْ أَوْ كَبُرَتْ فَقَالَ «الْحَمْدُ لِلَّهِ» إِلَّا أَدَّى شُكْرَهَا.

هرگاه خدا نعمتی به بنده اش عطا کند، خرد باشد یا کلان، و به پاس آن بگوید «الحمد لله»

شکر آن نعمت را به جا آورده است.

بحار، ج ۷۱، ص ۳۲



امام محمدباقر علیه‌السلام:

تَخَلَّصْ إِلَى عَظِيمِ الشُّكْرِ بِاسْتِكْثَارِ قَلِيلِ الرِّزْقِ وَ اسْتِقْلَالِ كَبِيرِ الطَّاعَةِ.

شکر بسیار و خالصانه در آن است که روزی کم را زیاد بدانی و اطاعت بسیار را کم شماری.

بحار، ج ۷۸، ص ۱۶۴



امام جعفر صادق علیه‌السلام :

أَحْسِرُوا صُحْبَةَ النِّعَمِ قَبْلَ فِرَاقِهَا فَإِنَّهَا تَزُولُ وَ تَشْهَدُ عَلَى صَاحِبِهَا بِمَا عَمِلَ فِيهَا.

قدر نعمت‌ها را نیکو بدانید پیش از آن که آنها را از دست بدهید و بدانید که نعمت‌ها زوال‌پذیرند

ولی (فردا) گواهی خواهند داد که رفتار صاحبانش با آنها چگونه بوده است.



امام جعفر صادق علیه السلام :

مَنْ قَالَ أَرْبَعَ مَرَّاتٍ إِذَا أَصْبَحَ «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» فَقَدَ آدَى شُكْرٍ يَوْمِهِ وَمَنْ قَالَهَا إِذَا أَمْسَى فَقَدَ آدَى شُكْرٍ لَيْلَتِهِ.

هر کس در آغاز روز چهار مرتبه بگوید :

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

شکرانه ی آن روز را به جا آورده و اگر آن را در آغاز شب بگوید

شکرانه ی آن شب را (نیز) به جا آورده است.

مکارم الاخلاق، ص ۳۰۸



امام جعفر صادق علیه السلام :

مَنْ قَالَ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعَ مَرَّاتٍ «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَيَّ كُلِّ نِعْمَةٍ كَانَتْ أَوْ هِيَ كَائِنَةٌ» فَقَدْ أَدَّى شُكْرَ مَا مَضَى وَ شُكْرَ مَا بَقِيَ.

هر کس در هر روز هفت مرتبه بگوید :

«الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَيَّ كُلِّ نِعْمَةٍ كَانَتْ أَوْ هِيَ كَائِنَةٌ»

شکر تمام نعمت های گذشته و آینده را به جا آورده است.

ثواب الأعمال، ص ۲۷

اللهم صل على محمد وآل محمد وعلم خير



http://www.aparat.com/v/JnHkE/%D8%AE%D8%AF%D8%A7_%D8%B1%D8%A7_%D8%B4%DA%A9%D8%B1_%DA%A9%D9%86%DB%8C%D8%AF

شما را دعوت می کنم به دیدن کلیپ بسیار زیبایی خدا را شکر کنید .

نقدیم به دل های دریایی و قلب های شاکرتان .

التماس دعا دوستان بهتر از جان



منابع : تفسیر نمونه _ دانشنامه حوزه علمیه _ ویکی شعه _